



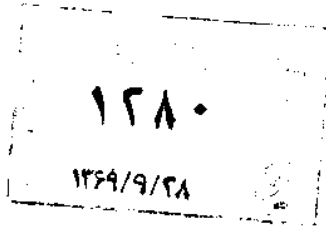
جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

شماره ۱۹۱۲

تاریخ ۲۷/۹/۳۹

پیوست



بیت

دبیر محترم شورای نگهبان
حضرت آیتا... محمد محمدی گیلانی

عطف به نامه شماره ۱۲۴۲ مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۴ .

موجب امتنان است که برخلاف اطلاعیه مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۰ شورای محترم نگهبان که از رسانه‌های گروهی به‌سمع و نظر ملت ایران رسید و در آن تاریخ ثبت نامه مجلس با تاریخ ناشی از اشتباه دبیرخانه شورا یعنی ۱۳۶۹/۹/۱۰ محور بحث و استدلال قرار گرفته بود در نامه فوق‌الذکر واقعیات مورد تأیید قرار گرفت و تاریخ وصول لایحه متمم بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور یعنی تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷ ملاک اظهار نظر واقع شده است .
و اما در این زمینه توجه آن شورای محترم را به دو نکته جلب می‌نماید :

۱ - مهلت مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر، کاملاً صریح و روشن و بدون ابهام می‌باشد و قدر مسلم اینست که در مقابل نص و عبارت صریح و جمله و جایگاهی برای تاویل و تعبیر باقی نمی‌ماند .
اصل ۹۴ با دو عبارت " حداکثر ظرف دهمروز ... " و " ... از تاریخ وصول ... " مبداء و منتهای مهلت قانونی را به صراحت بیان داشته و دیگر محلی باقی نگذاشته تا عبارت " از تاریخ وصول " برخلاف نظر واضعین قانون اساسی پس از وصول و یا به تفسیر قانون آئین دادرسی مدنی سابق پس از ابلاغ تعبیر گردد .
مراجعه به مذاکرات مربوط به اصل ۹۴ قانون اساسی نشان می‌دهد که مسأله مبداء مهلت قانون در آن مجلس محترم مورد بحث قرار گرفته و در حالی که در اصل پیشنهادی کمیسیون با گروه مأمور رسیدگی به اصل فوق عبارت " از تاریخ وصول " نبوده این عبارت جهت رفع هرگونه ابهامی اضافه شده است .

در آن مجلس توسط یکی از اعضاء اینگونه پیشنهاد شده " معمولاً در جایی که تاریخ گفته می‌شود باید مبداء مشخص باشد در مورد حداکثر ظرف ده روز باید یادآوری کرد از تاریخ تصویب یا وصول یا ... " و نایب رئیس محترم فرموده فاند " وصول است " و بعد این عبارت " از تاریخ وصول " برای رفع ابهام به تصویب رسیده است .

با وجود چنین صراحتی و سابقای و چنین قصدی در انشای اصل ۹۴ چگونه جایز است قانون اساسی جمهوری اسلامی را با قانون آئین دادرسی مدنی سابق تفسیر کنیم . اگر این صراحت هم نبود و ابهام و ناراستی وجود داشت بنظر میرسد باز هم جایز نبود قانون اساسی با قانون آئین دادرسی مدنی زمان طاغوت تفسیر شود و یا اینکه برای تفسیر قانون اساسی به عرف قضائی و رویه مراجع قضائی استناد گردد . آئین دادرسی مدنی و رویه مراجع قضائی همچنانکه از اسم آنها برمی‌آید برای دادرسی دردعاوی و اصحاب دعوا و امر قضاست نه امر قانونگذاری . مگر قوه قضائیه و قوه مقننه در قانون اساسی ایران کاملاً مستقل از یکدیگر قرار داده نشده‌اند ؟ اگر به فرض بعید چنین تعبیری جایز باشد باید گفت در کدامیک از مواعد بی‌شمار قانون آئین دادرسی مدنی عبارات صریح " حداکثر ظرف " و " از تاریخ وصول " آمده تا در مقام قیاس بر آئین و در کدامیک از مواعد پیش‌بینی شده برای ذوی‌الحقوق حق استمهال در مواعد قائل شده است . موضوع استمهال برای همین است که اگر ضرورتی بود و فرصت کافی برای شورای محترم نبود بانقضای استمهال مشکل راجل نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندرستی

- ۲ -

بِسْمِ اللَّهِ

شماره ۱۹۱۲-۵

تاریخ ۲۷/۹/۵۹

پیوست

علی ای حال آوردن عبارات فوق در متن اصل ۹۴ برای رفع ابهام و بی‌اثرسازی اینگونه برداشتهای عرفی و حقوقی و رویه‌های قضائی بود ما ست و اصرار بر تاسی تعبیرهای یاد شده امری است ناصواب .

علاوه بر همه اینها بطوریکه در نامه شورای محترم آمده " به‌منظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مهلت ده روز مقرر در اصل ۹۴ ده روز کامل برای بررسی و اظهار نظر است . . . " و در صورتیکه بنا بر این تعبیر ناصواب روز وصول و روز اعلام یا اقدام راهم جزو ده روز کامل برای بررسی و اظهار نظر ندانیم باز هم ملاحظه می‌شود شورای محترم نگهبان بر خلاف نظر اکثریت عمل نموده و خارج از موعد دمرور کامل برای بررسی یعنی از روز هشتم تا هفدهم آذرماه ، روز هجدهم را نیز تا ظهر جلسه رسمی برای بررسی داشته و از یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز برای همین جلسه دعوت نموده و او نیز در جلسه شرکت داشته است . روز اقدام روز اقدام است نه روز بررسی و عموماً اقدام در ساعات اولیه انجام می‌پذیرد نه آنکه تا نزدیک پایان وقت جلسه رسیدگی باشد و در پایان اقدام صورت پذیرد .

۲- پاسخ مطلب دوم مورد اشاره یعنی اینکه چرا اینجانب بیان داشتیم " شورای نگهبان تاریخ دو ناممرا ۱۳۶۹/۹/۷ و یک ناممرا ۱۳۶۹/۹/۱۰ اعلام کرده است " در ذیل نامه شورا آمده و بنظر می‌رسد نیازی به توضیح بیشتر نباشد . شما در این نامه اعلام داشته‌اید . " حقیقت اینست که در ابتدای نامه جوابیه شورای نگهبان بجای اینکه نوشته شود عطف بمانامه شماره ۱۸۴۷ مورخ ۱۳۶۹/۹/۷ اشتباها مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۰ نوشته شده . . . " و اینجانب نیز این حقیقت را در توضیحاتم اشاره کرده‌ام .

آیا بیان این حقیقت که در نامه شما هم آمده اظهارات خلاف واقع است؟ و عنوان کردن آن در پاسخ اطلاعیه مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۰ که از طریق رسانه‌ها به اذهان عمومی رسانده شده زیبنده نیست؟ و انتسابش به شورای نگهبان شایسته نمی‌باشد؟ ناگفته نماند که توالی دو عبارت " . . . شورای نگهبان هیچگاه چنین اعلامی نکرده است . . . " و " . . . حقیقت اینست که در ابتدای نامه جوابیه شورای نگهبان بجای اینکه نوشته شود عطف بمانامه مورخ ۱۳۶۹/۹/۷ اشتباها مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۰ نوشته شده . . . " خلاف واقع است نه اظهار این حقیقت .

بنظر می‌رسد ذکر هیچ مطلبی جهت روشن‌تر شدن اذهان عمومی و بیان حقیقت مناسب‌تر از قرائت همین قسمت از نامه آن شورای محترم در جلسه علنی نباشد که اگر عنوان محرمانه نداشت همین‌گونه عمل می‌شد . در پایان ضمن اعلام مجدد اینکه بنظر مجلس ابلاغ قانون متمم بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور یک اقدام قانونی و درست بوده و ظاهراً نامه جوابیه شورای محترم نگهبان در روز ۱۳۶۹/۹/۱۹ نیز توسط هیچ مسئولی دریافت نشده است اینجانب نیز ملتسانه به دعای پایانی نامه حضرتعالی متوسل می‌شوم .

اللهم اهدنا سبيل الرشاد واجعلنا ممن

لاينطق الا بالصواب والسداد

رئيس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروبی